

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۵/۰۱
تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۵/۱۹

مؤلفه های بینشی و روشی مدیریت نظامی در نهج البلاغه

عبدالهادی فقهی زاده ۱

علینقی لزگی ۲

چکیده

بی گمان، برای تحقق امنیت و تأمین نیازهای توسعه ای در جامعه دینی، حضور هوشیارانه نیروهای مسلح در عرصه های گوناگون مربوط به وظایف محول شده نیازی ضروری است که خواه ناخواه باید بر اساس مؤلفه های بینشی و روشی مدیریت اسلامی تعریف و عملی گردد. امام علی علیه السلام که در تلقی صحیح دینی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بزرگترین مفسر و مبین قرآن کریم و مقاصد دینی به شمار می رود، در مجموعه گرانبار نهج البلاغه بیانات ارزنده ای در تبیین مؤلفه های بینشی و روشی مدیریت نظامی مبتنی بر آموزه های اصیل قرآن و سنت اظهار کرده است. که شناسایی آنها وجهه عمل مؤلفان مقاله حاضر قرار گرفته است. از این رو در این نوشتار برآنیم با روش تحلیل محتوای کیفی به منظور بازشناسی جایگاه حقیقی فرماندهی و مدیریت نظامی، به شناسایی و تحلیل مؤلفه های بینشی و روشی مدیریت نظامی در نهج البلاغه بپردازیم.

طبق این پژوهش عواملی چون «امر به معروف و نهی از منکر»، آینده نگری در جهت ساخت آینده بهینه، مشورت و رایزنی با اهل خبره از مؤلفه های بینشی و روشی مدیریت نظامی در نهج البلاغه به شمار می روند که در این میان «امر به معروف و نهی از منکر» با فراوانی ۱۸،۲ درصد بیشترین فراوانی را نسبت به سایر مؤلفه ها به خود اختصاص داده و مؤلفه «آینده نگری در جهت ساخت آینده بهینه» با فراوانی ۱۴،۷ درصد، دومین ویژگی مدیران و فرماندهان نظامی از نظر فراوانی است؛ چنان که مؤلفه «مشورت و رایزنی با اهل خبره» با فراوانی ۱۱،۴ درصد، سومین ویژگی مدیران و فرماندهان نظامی به شمار می رود.

کلید واژه ها: امام علی (ع)، مؤلفه های بینشی، مؤلفه های روشی، مدیریت نظامی،

نهج البلاغه.

(۱) دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران. Faghhi zad@ut.ac.ir

(۲) دانش آموخته کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث. a.lezgi@yahoo.com

۱- بیان مسئله

«مدیریت نظامی» مجموعه اختیاراتی است که فرد هنگام خدمت در نیروهای مسلح به سبب شغل یا درجه یا مسئولیتی که دارد در راستای انجام مأموریت های محوله شده ی سازمانی به کار می گیرد (رشید زاده، ۱۳۹: ۷).

درک صحیح اندیشه های فرماندهی، مدیریتی و رهبری نظامی امام علی (ع) یکی از اولویت های اساسی در فرماندهی نیروهای مسلح کشور محسوب می شود و اشاعه و سخن گفتن از افکار و اندیشه های نظامی امام علی (ع) در افزایش سطح ایمان و آگاهی، بصیرت و دشمن شناسی آحاد مردم، نقش اساسی بر عهده دارد و باعث تحکیم و توسعه ی اقتدار نظامی و استقامت در دفاع از ارزش های اصیل اسلامی می گردد و به عنوان یک نیاز مبرم، همواره مد نظر فرماندهان و صاحب نظران عرصه دفاع قرار دارد (عبدی، ۱۳۹۰: ۵). از آنجا که اندیشه ی فرماندهی، مدیریت و رهبری نظامی امام (ع) برگرفته از تعالیم پیامبر اکرم (ص) و آموزه های قرآن کریم و همچنین حاصل بینش ها و کوشش های امام علی (ع) در دفاع از اسلام و ارزش های اسلامی و استقرار حکومت عدل است، این پژوهش بر آن است تا به این سؤالات پاسخ دهد که مؤلفه های بینشی و روشی مدیریت نظامی در نهج البلاغه چیست و میزان اشاره به آنها در مجموعه های آموزه های علوی در نهج البلاغه چقدر است و تحلیل آن ها چگونه است؟ یافتن پاسخ سؤالات یاد شده در گرو آشنایی با مفاهیم اصلی تحقیق به شرح ذیل است:

۲- مقدمه - مفاهیم بنیادین تحقیق

۲-۱- تعریف مدیریت نظامی :

در مدیریت نظامی، فرماندهی کارا و اثر بخش قادر است از مجرای توسعه ایمان، انضباط، آموزش و فرهنگ سازمانی، انگیزه رؤسای خود را برانگیخته و رسیدن به مقصود را تسهیل نماید (رشید زاده، ۱۳۸۳).

۲-۲- تعریف مفهومی بینش :

بینش، توانایی نگرستن به پدیده ها و دریافت رویدادها و تأثیرپذیری و نتیجه گیری از آنهاست (صدری افشار، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

۲-۳- تعریف مفهومی روش :

روش مسیری است که از یک مبدأ تا مقصد طی می شود و در درون روشها برای رسیدن به مقصد از ابزار بهره گرفته می شود، روش راه رسیدن است (همان: ۴۷۰).

۳- مؤلفه های بینشی مدیریت نظامی در نهج البلاغه

۳-۱- یاری دین خدا

یاری کردن خدا به یاری نمودن دین و مکتب خاتم الانبیاء و ائمه معصومین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین است و گرنه خداوند متعال نیاز به کمترین یار و یاور ندارد. یاری خواسته شده، در سه مرحله قابل اجرا است: به وسیله "دست" و "زبان" و "قلب" چنانچه بر اثر هر محدودی توانایی یاری به وسیله دست و زبان نبود به مرتبه ضعیف تر می رسد و آن یاری و حمایت قلبی است که هر کس قادر بر آن است و از احدی ساقط نخواهد بود و این مرحله سهل ترین مراحل تکلیف است (قوچانی، ۱۳۷۴: ۱۲۶).

این ویژگی، مسئولیت بسیار خطیری را به عهده فرماندهان می گذارد زیرا توانایی و قدرت آنان نسبت به یاری و پشتیبانی دین خدا، به مراتب قوی تر و بیشتر از سربازان عادی خواهد بود. چنانچه افراد فاقد مسئولیت قدرت یاری و حمایت را نداشته باشند یک فرمانده عالی رتبه نمی تواند ادعای ناتوانی را بنماید، زیرا که امکانات فراوانی در اختیار او قرار گرفته و وظیفه سنگین تری را به عهده دارد و او است که می تواند هر چه بیشتر مسلمانان را یاری و حمایت کند که با یاری آنان خدا و دین او را یاری کرده است (لزگی، ۱۳۹۲: ۳۷).

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: "هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وُلِّاهُ مِصْرَ جَبَايَةَ خَرَايجِهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا ... وَ أَنْ يَنْصُرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكْفَلَ بِنَصْرِ مَنْ نَصَرَهُ وَ إِعْزَازِ مَنْ أَعَزَّهُ "

(سید رضی، نامه ۵۳): این فرمانی است از بنده خدا، علی امیر المؤمنین، به مالک بن الحارث الاشر، در پیمانی که با او می نهد، هنگامی که او را فرمانروایی مصر داد تا خراج آنجا را گرد آورد و با دشمنانش پیکار کند و کار مردمش را به صلاح آورد و شهرهایش را آباد سازد ... و باید که خدای سبحان را یاری نماید به دل و دست و زبان خود، که خدای جل اسم، یاری کردن هر کس را که یاریش کند و عزیز داشتن هر کس را که عزیزش دارد بر عهده گرفته است.

۳-۲- اعتقاد به لزوم رشد مادی و معنوی نیروهای صالح

استفاده از افراد نالایق، هر مأموریت و برنامه ای را دچار آسیب و خسارت می نماید، لازم است فرمانده از افراد متملق، چاپلوس و بله قربان گو برحذر باشد انتخاب افراد نالایق و بله قربان گو در همه اعصار تاریخ بلای شکست و آسیب فرماندهی بوده است. مهم ترین عامل برقراری امنیت در مرزهای کشور داشتن نیروهای مسلحی کارآمد است و کارآمدی نیروهای مسلح به شناسایی و جذب فرماندهانی فرزانه و شایسته می باشد. اگر فرماندهان شایسته و تربیت یافته در رأس سازمان های نظامی قرار گیرند، کیفیت فعالیت های سازمانی به طور فزاینده ای بهبود خواهد یافت، زیرا مدیریت شایسته بر نیروهای مسلح، محور اصلی توسعه و تقویت قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح به شمار می آید، بنابراین شناسایی و انتخاب و انتصاب افراد در رده های مختلف سازمانی باید بر اساس معیارها و ملاک هایی باشد تا افراد شایسته جهت تصدی پست های سازمانی انتخاب و به کار گمارده شوند (لزگی، ۱۳۹۲: ۳۸).

از دیدگاه رسول خدا فضیلت، تقوا و برتری های شخصی، تنها معیار انتخاب افراد نبود بلکه حضرت در کنار ایمان و تعهد، لیاقت و شایستگی را هم مد نظر قرار می داد. چنانکه

روایت شده روزی ابوذر این صحابی بزرگ، وفا دار و مخلص به حضرت عرض کرد: "الا تستعملنی؟" آیا مرا به مسئولیتی نمی گماری؟ فضرِب بیده علی منکبی ثم قال یا ابا ذر اَنک ضعیف و اَنتها امانه و اَنتها یوم القیامة خزی و ندامة الاّ من اَخذها بحقّها و اَدی اَلذی علیه فیها (مازندرانی، ۱۳۸۲ق: ۹ / ۲۸۵)؛ حضرت دستی به شانه ابوذر زد و فرمود من تو را در مدیریت ضعیف می بینم لکن مسئولیت ها امانت است و اگر انسان به طور درست از عهده آن بر نیاید مایه خواری و پیشمانی در قیامت می باشد. این روایت هرگز دلالت بر کم ارجی مقام ابوذر در پیشگاه خداوند ندارد، چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله بارها از مقام رفیع او یاد نموده و او را به بهترین وجه ستوده است. بنابراین کلام حضرت ناظر به این مسئله می باشد که شایسته سالاری در نظام حکومتی اسلام به اندازه‌ی مهم است که آن حضرت از سپردن مسئولیت به شخصی همانند ابوذر ابا می کند. چون توان کاری و مدیریتی لازم را در او نمی بیند.

امام علی علیه السلام که از زلال وحی و قرآن سیراب گشته بر انتخاب افراد شایسته تأکید خاصی مبذول می داشت، در بیانات ایشان خطوط کلی نظام شایسته سالار تبیین شده است. بدین روی هر گاه دیده می شود مأمور دولتی فاقد شروط لازم گشته و یا اصلاً از ظرفیت و توان لازم برای تصدی شغل خود برخوردار نیست، باید تعویض شود. نمونه بارز این امر انتصاب مالک اشتر به فرمانداری مصر و عزل محمد بن ابی بکر توسط امام علی علیه السلام بود که حضرت در نامه ۳۴ نهج البلاغه دلیل عزل محمد بن ابی بکر را این چنین بیان می کند: مالک مردی خیراندیش بوده و او بر دشمنان ما چیره و توانا است، در عوض تو را فرماندار جایی قرار دادم که اداره آنجا بر تو آسان تر و حکومت تو در آن سامان خوش تر است (موسی زاده و عدلی، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

۳-۳- آینده نگری برای ساخت آینده بهینه جامعه اسلامی

امروزه هیچ ارتشی از نفوذ پیشرفت های حیرت انگیز فناوری اطلاعات و تسلیحات مصون نیست. دستاوردهای ارتش های قدرتمند دنیا در عرصه های ساخت تسلیحات

و کسب اطلاعات باعث تغییر نگرش در مدیریت جهانی، به ویژه در عرصه نظامی شده است. از این رو فرماندهان و مدیران نظامی ضمن الزام به تجهیز خود به علم آینده شناسی و آینده نگری بایستی هنر مدیریت در محیط بی ثبات و پویا و چگونگی برخورد با پدیده تغییر در موازنات قدرت (قدرت نظامی) و بهره برداری از آن را در آحاد و آینده بیاموزند. "آینده نگری" و "دور اندیشی" یکی از شرایط مدیریت خردمندانه و منطقی است و مدیریت بدون توجه به این نکته مهم، نمی تواند سازمان را به سر منزل مقصود برساند، قبل از اقدام به هر کار باید جوانب و زوایای مختلف، آن مورد بررسی قرار گرفته و پیامدهای احتمالی آن پیشبینی شود. مدیرانی که قبل از اقدام های عملی، با آینده نگری زوایای مختلف مسئله را بررسی کرده و امکانات و مقدمات لازم را پیش بینی می کنند، تصمیم های استوارتری می گیرند و میزان موفقیت و اثربخشی خود را افزایش می دهند (خدمتی و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۰).

امام علی علیه السلام نگاه به آینده را درگرو انجام اعمال صالح می داند، یعنی کسی که می خواهد آینده ای روشن داشته باشد لازم است به چند امر مهم مبادرت بورزد. به شرح "الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهَايَةُ النَّهَايَةُ وَالْإِسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ وَالْوَرَعُ الْوَرَعُ" (سید رضی، خطبه ۱۷۶)؛ عمل صالح عمل صالح، پس آینده نگری آینده نگری، استقامت استقامت، آنگاه صبر صبر و پرهیزگاری پرهیزگاری. همچنین امام علی علیه السلام یکی از خصوصیات که باید در انتخاب مدیران و فرماندهان مد نظر قرار گیرد را آینده نگری می داند: "وَأَبْلَغُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْرًا" (سید رضی، نامه ۵۳). کسی را انتخاب کن که از دیگران بیشتر به آینده می نگرد. و نیز در فرازی دیگر از سخنانشان آیندگان را به عبرت گرفتن از گذشتگان سفارش می کند: "فَانظُرُوا إِلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ فِي آخِرِ أُمُورِهِمْ حِينَ وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ" (سید رضی، خطبه ۱۹۲)؛ به سرانجام و آینده تلخ گذشتگان بنگرید که چگونه وحدت آنان به تفرقه و جدایی مبدل شد. حضرت در باره مسیر حرکت انسان در آینده می فرماید: "إِنَّ لَكُمْ نَهَايَةً فَانْتَهُوا إِلَيْ نِهَائِكُمْ وَإِنَّ لَكُمْ عَلَمًا فَاهْتَدُوا بِعَلَمِكُمْ" (سید رضی، خطبه ۱۷۶)؛ همانا برای شما آینده ای است پس به سوی آینده خود بروید، و برای شما

پرچم های هدایتی است پس به وسیله آن هدایت شوید.

۴- مؤلفه های روشی مدیریت نظامی در نهج البلاغه

۴-۱- امر به معروف و نهی از منکر

یکی از راه هایی که ضامن اجرای احکام دینی است، عمومی شدن امر به معروف و نهی از منکر در یک یگان نظامی یا هر سازمان دیگری می باشد. در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر، علاوه بر هدایت شایسته است که فرماندهان و مسئولین با رفتار و عمل خود، الگویی شایسته بر این معنا باشند.

خداوند متعال در قرآن می فرماید اگر می خواهید رستگار شوید باید در بین شما گروهی باشند که دعوت به نیکی، امر به معروف و نهی از منکر کنند، طبق آیه کریمه: "يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ" (آل عمران، ۱۱۴)؛ به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می دهند و از کار ناپسند بازمی دارند و در کارهای نیک شتاب می کنند، و آنان از شایستگانند.

امام علی علیه السلام در باره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر می فرماید: "فَرَضَ اللَّهُ... وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ، وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ" خدا واجب کرد ... و امر به معروف را برای اصلاح کار همگان، و نهی از منکر را برای بازداشتن بی خردان (سید رضی، حکمت ۲۵۲).

امام علیه السلام در سخن دیگر درباره اینکه آمران به معروف و ناهیان از منکر، خود بایستی عامل باشند سپس دیگران را به امر به معروف و نهی از منکر دعوت کنند می فرماید: "وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَنَاهَوْا عَنْهُ، فَإِنَّمَا أَمْرُكُمْ بِاللَّهِ بَعْدَ التَّنَاهِي" (سید رضی، خطبه ۱۰۵)؛ از کار زشت باز ایستید و دیگران را از آن بازدارید، چه، به باز ایستادن پیش از بازداشتن مأمورید.



۴-۲- هماهنگی مؤثر با مراکز تصمیم‌گیری و اجرا

شرط لازم در امر مدیریت و فرماندهی برای برنامه ریزی در سیستم با ایجاد هماهنگی در مبادی پیش بینی شده به کفایت می‌رسد. مقررات خوب هرگز ضامن پیروزی نمی‌باشد بلکه همیشه می‌توان با یک ترکیب و هماهنگی خوب و مناسب پیروز گردید. (رشیدزاده، ب، منش فرماندهی، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

برنامه ریزی کامل و سازماندهی ماهرانه زمانی به بهره‌وری مطلوب می‌رسد که یک فرمانده یا مدیر، در ایجاد هماهنگی از مهارت مطلوبی برخوردار باشد؛ لذا یکی از وظایف مهم فرمانده یا مدیر نقش هماهنگ‌کننده اوست. فرماندهی که در مرحله برنامه ریزی و طراحی سازمان مهارت داشته ولی در فعلیت بخشیدن به تلاش‌های طراحی شده مهارت لازم را نداشته باشند موفق نخواهند بود، هر چه سازمانی گسترده‌تر و پیچیده‌تر گردد به همان اندازه مسئله هماهنگی در آن حساس‌تر می‌شود تا آنجا که گاه فرمانده و مدیر با وسایل عادی نمی‌توانند هماهنگی آن را تأمین کنند و ناچار از وسایل دقیق صنعتی و الکترونیکی کمک می‌گیرند (لزگی، ۱۳۹۲: ۸۹).

امام علی علیه السلام در جریان آماده کردن سپاه برای جنگ با معاویه، مردم کوفه را مورد سرزنش قرار داده و آنها را به علت عدم هماهنگی در اجرای دستوراتش مذمت می‌نماید، امام در این خطابه، دین را عامل اجتماع و هماهنگی سپاهیان و مردم معرفی کردند و می‌فرماید: "قَوْلَهُ لَئِنْ جَاءَ يَوْمِي وَ لِيَأْتِيَنِي لَيُفَرِّقَنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ أَنَا لِيُحْبِتُكُمْ قَالٍ وَ بِكُمْ غَيْرُ كَثِيرٍ لِّلَّهِ أَنْتُمْ أَمَا دِينَ يَجْمَعُكُمْ وَ لَا مَحْمِيَّةَ تَشْحَذُكُمْ" (سید رضی، خطبه ۱۸۰)؛ به خدا سوگند، اگر مرگم فرا رسد که قطعاً فرا خواهد رسید بین من و شما جدایی خواهد افتاد در حالی که از همنشینی‌تان ناخرسندم و حضورتان برای من بی‌فایده بود، شما را به خدا سوگند، مگر دین ندارید که شما را هماهنگ کند و کنار یکدیگر آورد یا مگر حمیت و غیرتی نیست که شما را برای جنگ با دشمن بسیج کند.

۴-۳- مشورت و رایزنی با اهل خبره

مشورت کردن به ویژه با نیروهای متعهد و اهل خبره مایه بهره‌مندی از عقل آنان است، فرماندهی که اهل مشورت کردن باشد از درخشش افکار تک تک افرادش بهره می‌گیرد و مسیر نیل به اهداف سازمان را سریع تر طی می‌کند، با اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام با اتصال به علم و قدرت لایزال الهی خود می‌توانستند بهترین تصمیمات را بگیرند اما مشاوره آنان در مسائل مهم و حیاتی نوعی درس و سرمشق عملی برای فرماندهان و مدیران جامعه اسلامی است که از مشاوره غفلت نکنند خدای متعال در قرآن کریم درباره اهمیت مشورت کردن می‌فرماید: " وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ " (آل عمران: ۱۵۹)؛ در کارها با آنان مشورت بنما و هر موقع تصمیم گرفتی به خدا توکل کن که خدا متوکلان را دوست دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز درباره مشورت فرمود " اسْتَشِرُّوا الْعَاقِلَ، وَلَا تَعْصُوهُ فَنَنْدُمُوا " از انسان فرزانه راهنمایی خواهید و نافرمانی او مکنید که پیشمان خواهید شد. (طوسی، ۱۵۳: ۱۴۱۴ و حکیمی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۱۴). امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر به او چنین نوشته است: " بخیل را در مشورت خود دخالت مده زیرا که تو را از احسان منصرف می‌کند و از نیازمندی می‌ترساند و نیز با اشخاص ترسو مشورت مکن، زیرا در کارها روحیهات را تضعیف می‌کنند. همچنین حریص را به مشاورت نگیر که با ستمگری، حرص را در نظرت زینت می‌دهد. پس همانا بخل و ترس و حرص، غرایز و تمایلات مختلفی اند که از بدگمانی به خدا سرچشمه می‌گیرند." در سفارش‌های امام علی علیه السلام بهترین مشاوران، اشخاص امین و مجرب، خردمند و دوراندیش معرفی شده‌اند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۴۷-۲۵۱).

امام علی علیه السلام درباره نوع انسان‌ها و نوع تفکراتی که بایستی با آنها مشورت شود می‌فرماید: " إِذَا احْتَجَّتْ إِلَيَّ الْمَشُورَةَ فِي أَمْرٍ قَدْ طَرَأَ عَلَيْكَ فَاسْتَبَدَّ بِبِدَايَةِ الشُّبَّانِ، فَاتَّهَمُ أَحَدُ أَذْهَانَا وَ أَسْرَعُ حُدْسًا، ثُمَّ رُدَّهُ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى رِيِّ الْكُهُولِ وَ الشُّيُوخِ لَيْسَتْ عَقْبُوهُ وَ يُحْسِنُوا، الْخِتَارَ لَهُ، فَإِنَّ تَجْرِبَتَهُمْ أَكْثَرُ " (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ق. ۲۰ / ۳۳۷)؛ هرگاه به مشورت نیازمند شدی، نخست به جوانان

مراجعه نما، زیرا آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع تر دارند. سپس (نتیجه) آن را به نظر میان سالان و پیران برسان تا پیگیری نموده، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند، چرا که تجربه آنان بیشتر است.

۴-۴- برنامه ریزی هدفمند و سازماندهی امکانات

برنامه ریزی یعنی تبیین توانایی ها، نارسایی ها، محدودیت ها و موانع، موقعیت ها، فرصت ها و تصمیم گرفتن برای اینکه چه کاری، در کجا، در چه مدت، چگونه و توسط چه کسانی انجام شود. برنامه ریزی به مثابه مسیری است که مبدأ و مقصد مشخصی دارد. فرمانده با برنامه ریزی دقیق و همه جانبه نگر، باعث می شود که برای هر کاری زمانی در نظر گرفته شود، هیچ کاری از قلم نیفتد و کارها در زمان مقرر و مناسب خود انجام گیرند و این امر به وسیله برنامه ریزی میسر می گردد. همچنین سازماندهی مناسب از نشانه های نبوغ فرماندهی است و با تمرین و کسب مهارت در امور و تصمیم گیری و برنامه ریزی این خصلت دست یافتنی است. فرمانده نباید همواره با تکیه به نبوغ خود یکه تازی و میدان داری کند بلکه همراه باید با سازماندهی مناسب از کارکنان تابعه خویش بهره گیری نماید.

در اسلام به این جهت برنامه ریزی را ضروری و لازم دانسته اند که انسان چند صباحی کوتاه بیشتر در این دنیای فانی نیست و فرصت برای رسیدن به اهداف بسار اندک است لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود: "الْأُمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا" (ابن ابی جمهور؛ ۱۴۰۵ق، ۱/ ۲۹۳). هر کاری در گرو زمان خودش است. از طرف دیگر اگر فرصت داشتی و کارها را با برنامه ریزی در زمانش انجام ندادی دچار حزن و اندوه می شوی. امام علی علیه السلام فرمود: "لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ" (سید رضی، حکمت ۳۹۰)؛ سزاوار است مؤمن را سه زمان باشد: زمانی که در آن با پروردگارش راز و نیاز کند، زمانی که هزینه های زندگی را تأمین کند و زمانی را به خوشی های حلال و زیبا اختصاص دهد.

۴-۵- ارزیابی و ارزشیابی

هر فرمانده در یگان خود مسئول ارزیابی و ارزشیابی برای سنجش و هدایت رفتارها و نیز تعیین میزان پیشرفت موفقیت هاست. ارزیابی و ارزشیابی افراد و سازمان، اهداف و برنامه‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهد و یک فرمانده وظیفه دارد در فاصله‌های زمانی مشخص و منظم برای اهداف و برنامه‌های در حال اجرا، نیروهای تحت فرمان و فرایندهای سازمانی خود را مورد ارزیابی و ارزشیابی قرار دهد.

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: "لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنَّ عَمَلًا خَيْرًا [حَسَنًا] اسْتَرَادَ اللَّهُ مِنْهُ وَحَمِدَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَإِنْ عَمِلَ شَرًّا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَتَابَ إِلَيْهِ" (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۹۶). از ما نیست کسی که هر روز در یک محاسبه به ارزشیابی کارهای خود نپردازد و اگر کار نیکی انجام داده از خداوند فزونی آن را خواهد و خدا را به موفقیتی که بدست آورده است سپاس گوید و اگر کار زشتی مرتکب شده است از خداوند آموزش آن را طلب به دست کند.

امام علی علیه السلام توصیه فرموده است که علاوه بر آنکه مدیر، خود باید ناظر اعمال مدیران و مسئولان باشد، لازم است کار آنها را هم کنترل و مواظبت کند تا با سوء استفاده از قدرتی که وی به آنها داده است، به رعیت ستم نکنند. گروهی را نیز بایستی برای بازرسی همیشگی آنها بگمارد تا همواره او را در جریان شیوه عملکرد آنها قرار دهند. امام در قسمتی از سخنان گهربار خود خصوصیات لازم را جهت انتخاب این بازرسان، برای مالک اشتر می‌فرماید: "وَ اَبْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ اَهْلِ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ" (سید رضی، نامه ۵۳). بر آنها بازرسان و واپایشگرانی بگمار که به تو وفادار و راستگو باشند.

۴-۶- قانون گرایی در عین حق مداری

فرمانده به عنوان بالاترین مقام سازمان در درجه اول باید خود حق گرا، مطیع قانون و مصرّ بر اجرای آن و مجری عدالت باشد و در مرحله بعد، کارگزارانش را از افرادی انتخاب کند که علاوه بر آگاهی کامل از حق و باطل، قانون مدار و وظیفه شناس باشند

زیرا شرط اول قانون مندی شناخت قوانین و بعد ایمان و تعهد برای اجرای قانون می‌باشد، در غیر این صورت سازمان دچار افول، سردرگمی و فساد اداری خواهد شد (لزگی، ۱۳۹۲: ۹۹).

خداوند خطاب به داود می‌فرماید: "يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ" (ص: ۲۶) ای داود ما تو را در روی زمین خلیفه قرار دادیم، پس در میان مردم به حق داوری کن و پیرو هوای نفس نباش که تو را از راه خدا گمراه می‌کند. از این آیه فهمیده می‌شود که یکی از شرایط اصلی رهبری در سازمان، این است که به عدالت و قانون مداری پایبند باشد. امام علی علیه السلام درباره محوریت قانون در عمل می‌فرماید: "ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينَةٌ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ إِنَّ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعِبْرَةُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَىٰ عَنِ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ" (سید رضی، خطبه ۱۶)؛ آنچه می‌گویم به عهده می‌گیرم، و خود به آن پای بندم کسی که عبرت‌ها برای او آشکار شود و از عذاب آن پند گیرد، تقوا و خویشتن داری او را از سقوط در شبهات نگه می‌دارد.

همچنین امام علی علیه السلام درباره اصرار بر اجرای قانون این چنین می‌فرماید: "وَاللَّهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِنَّ النَّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِنَّ الْإِمَاءَ لَرَدَدْتُهُنَّ فَإِنَّ فِي الْعُدْلِ سَعَةً وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعُدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقٌ" (سید رضی، خطبه ۱۵)؛ به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گر چه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت، گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است.

۴-۷- مدارا همراه با قاطعیت

دو دلی و عدم قاطعیت مدیر باعث می‌شود که تردید و ابهام و سردرگمی در همه بدنه سازمان سرایت کرده و کارها در زمان مناسب به انجام نرسد و سازمان به اهداف مورد نظر نرسد. امام علی علیه السلام از شک و تردید بی مورد نهی کرده و می‌فرماید: «علم خود را به جهل و یقین خویش را به شک تبدیل نکنید، وقتی دانستید عمل کنید و زمانی که یقین کردید، اقدام نمایید» (سید رضی: حکمت ۲۷۴)، (خدمتی و دیگران، ۱۳۸۱/۳۲).

بخشیدن گناهان و قبول توبه‌ی بندگان، همه مظاهر مدارا، رحمت و مهربانی اوست، خداوند متعال رحمت را بر خود واجب کرده است "كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ" (انعام: ۵۴)؛ پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده "وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ" (اعراف: ۱۵۶)؛ رحمتم همه چیز را فرا گرفته است. آفرینش و پرورش او بر اساس رحمت است و اگر عقوبت نیز می‌دهد از روی لطف است. در موارد مختلف، امام علی علیه السلام کارگزاران خود را به سازش و مدارا با مردم و گذشت از تخلفات جزئی آنان سفارش نموده‌اند. امام علی علیه السلام درباره مدارا کردن می‌فرماید: "رَأْسُ السِّيَاسَةِ اسْتِعْمَالُ الرَّفْقِ" (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵: ح ۹۰۱۹) رأس سیاست به کار گرفتن رفق است. اگر مدارا با قاطعیت همراه باشد کارها بهتر به سرانجام می‌رسد، لذا امام علی علیه السلام می‌فرماید: "سختی و درشتی را با مقداری نرمی و همواری بیامیز و مدارا و مهربانی کن، هنگامی که مدارا شایسته‌تر باشد و به سختی و درشتی بپرداز آنگاه که از تو جز سخت‌گیری پیش نمی‌رود" (سید رضی، نامه ۴۶).

۴-۸- گذشت و پوزش‌پذیری

یکی از صفات پسندیده و مثبت مدیران شایسته آن است که چنانچه فردی نزد او به عذر خواهی آمد، عذر او را بپذیرد و در مقام اصرار بر تخلفش بر نیاید که این روش اثری نیکو در جذب نیروها و وفا بیشتر آنان نسبت به نظام و سازمان خواهد داشت، امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر به او توصیه نمود که افرادی را برای کارهای کلیدی و مهم انتخاب کن که هنگام معذرت خواهی از وی با سینه باز و بزرگواری عذر طرف را بپذیرد، همچنین در جای دیگر از همین عهدنامه فرموده‌اند که با افراد باگذشت بیبوند و آنها را به عنوان کارگزار انتخاب نما "ثُمَّ اِلْصَقْ بِذَوِي... السَّمَاخَةِ" (قوچانی، ۱۳۷۴/۱۳۷-۱۳۸).

انسان همان‌طور که انتظار دارد تا خداوند عذر او را بپذیرد، باید خود عذر پذیر دیگران باشد، امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند "مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُعْتَدِرٍ مُتَّصِلٍ صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا لَمْ يَنْلُ شَفَاعَتِي" (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۳۳). هرکس عذر آورنده را نپذیرد و قبول نکند خواه عذرآورنده واقعاً عذرخواهی کند یا به دروغ، شفاعت من به او

نمی رسد. باید توجه داشت که پذیرش عذر مربوط به جایی نیست که فرد گمان می کرده کار درستی انجام می دهد و بعد معلوم شده که اشتباه کرده بود، بلکه حتی اگر فرد مسلمانی دچار کج روی شد و بعد عذرخواهی کرد، باید آغوش مسلمانان به روی او گشوده شود، در این باره امام علی علیه السلام می فرماید: "اَحْمِلْ نَفْسَكَ مِنْ اَخِيكَ ... عِنْدَ جُرْمِهِ عَلَيَّ الْعُذْرُ حَتَّى كَأَنَّكَ لَهُ عَبْدٌ وَ كَأَنَّهُ ذُو نِعْمَةٍ عَلَيْكَ" (سید رضی، نامه ۳۱)؛ اگر برادرت گناهی کرد، عذرش را بپذیر چنانکه گویی تو غلام او هستی و او ولی نعمت توست.

۴-۹- تشویق و تنبیه

تشویق و قدردانی از کارکنان کوشا و خدوم و نیز تنبیه و مجازات کارمندان کاهل و شرور، از مختصات مهم یک نظام اداری به سامان است که در حکومت پنج ساله امام علی علیه السلام تبلور ویژه ای داشت، به خصوص آنکه رهبری و مدیریت امام علی علیه السلام به عنوان نمونه ای علمی و تجربه شده جایگاه خاصی در مدیریت اسلامی دارد و اندیشه و سیره حکومتی ایشان الگوی مناسبی برای دولت مردان و مسئولان نظام اسلامی است (مردانی، ۱۳۹۰/ ۱۵۴).

قرآن کتاب هدایت انسان ها و کتاب انسان سازی است و در آن از روش تبشیر و انذار برای تکامل بخشیدن انسان ها و تزکیه و ارشاد آنها بسیار استفاده شده است و مقصود از تبشیر، مژده دادن، نوید دادن، دلگرم کردن و تحریک شوق و رغبت افراد نسبت به نیکی ها و رحمت و مغفرت الهی است و مقصود از انذار، بیم دادن، ترسانیدن، اعلام خطر کردن و بر حذر داشتن از کارهای زشت و عذاب الهی است.

و به همین جهت خداوند یکی از اهداف رسالت انبیا را نوید دادن و بیم دادن قرار داده و فرموده است: "قَبَعَتْ اللَّهُ التَّيْبِينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ" (البقره: ۲۱۳)؛ پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت. "رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ" (النساء: ۱۶۵).

امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می فرماید: "وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ" (سید رضی، نامه ۵۳). نیکوکار و بدکار در نزد تو نباید یکسان باشند زیرا "فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيدًا

لَأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَ تَدْرِيئاً لَأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ" (نهج البلاغه، نامه ۵۳). این کار باعث می شود که نیکوکاران نسبت به نیکی کردن بی رغبت شوند و ترک نیکی بکنند و بدکاران را به بدی کردن وادارد، و آنها به تداوم عمل زشت خود تشویق می شوند و آن را به طور مستمر انجام می دهند.

۴-۱۰- توجه به مشکلات مالی و اقتصادی زیردستان

همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما این است که روزی فقر و تهی دستی از جامعه رخت بریندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از « رفاه » در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاید آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و روی آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیاء و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند.

معاذالله که این با سیره و روش انبیاء و امیرالمومنین و ائمه معصومین علیهم السلام سازگار نیست (خمینی، ۱۳۸۶: ۲۰/۳۴۱). امام علی علیه السلام درباره توجه به محرومان می فرماید: "الله الله فی الطبقة السفلی من الذین لا حيلة لهم" (سید رضی، نامه ۵۳)؛ خدای را خدای را، در خصوص طبقه پایین جامعه، آن کسانی که دردشان را هیچ چاره ای نیست، امام علی علیه السلام درباره رفع فقر در حکومت خودشان می فرماید: "ما أصبح بالكوفة أحد إلا ناعماً إن أذناهم منزلة لياكل البئر و يجلس فی الظل و يشرب من ماء الفرات" (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق: ۴۰/۳۲۷)؛ کسی در کوفه نیست که در رفاه به سر نبرد، حتی پایین ترین افراد نان گندم می خورند و سر پناه دارند و از آب فرات می آشامند.



جدول (۱-۱) فراوانی نسبی و مطلق مؤلفه های بینشی و روشی

ردیف	مؤلفه	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
۱	یاری دین خدا	۵	۵،۷	۵،۷
۲	رشد مادی و معنوی نیروهای صالح	۳	۳،۴	۹،۱
۳	آینده نگری در جهت ساخت آینده بهینه	۱۳	۱۴،۷	۲۳،۸
۴	امر به معروف و نهی از منکر	۱۶	۱۸،۲	۴۲
۵	همانگی موثر با مراکز تصمیم گیری و اجرا	۱	۱،۱	۴۳،۱
۶	مشورت و رایزنی با اهل خیره	۱۰	۱۱،۴	۵۴،۵
۷	برنامه ریزی هدفمند و ساماندهی امکانات	۷	۷،۹	۶۲،۴
۸	ارزیابی و ارزشیابی	۳	۳،۴	۶۵،۸
۹	فانوی گیری در عین حق مداری	۷	۷،۹	۷۳،۷
۱۰	مدارا همراه با قاطعیت	۳	۳،۴	۷۷،۱
۱۱	گذشت و بوزش پذیری	۷	۷،۹	۸۵
۱۲	تشویق و تنبیه	۷	۷،۹	۹۳،۱
۱۳	توجه به مشکلات مالی و اقتصادی زیردستان	۶	۶،۹	۱۰۰
	جمع	۸۸	۱۰۰	

۵- نتیجه گیری

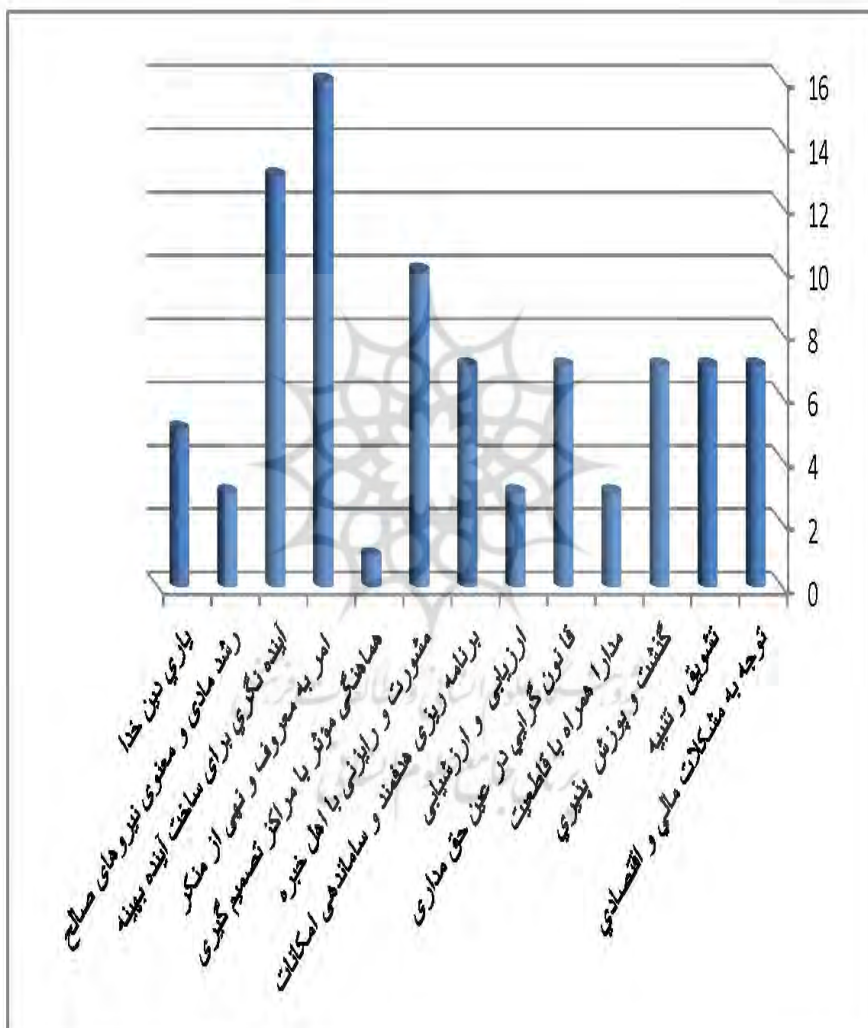
۵-۱- در پژوهش حاضر، مؤلفه های بینشی و روشی مدیریت نظامی در نهج البلاغه مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفته و در مجموع ۸۸ گزاره ی مرتبط با ۱۳ مؤلفه در قالب مقوله های بینشی و روشی تبیین شده اند؛ مواردی چون: یاری دین خدا، رشد مادی و معنوی نیروهای صالح، آینده نگری برای ساخت آینده بهینه برای جامعه اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، هماهنگی مؤثر با مراکز تصمیم گیری و اجرا، مشورت و رایزنی با اهل خبره، برنامه ریزی هدفمند و ساماندهی امکانات، ارزیابی و ارزشیابی، قانون گرایی در عین حق مداری، مدارا همراه با قاطعیت، گذشت و پوزش پذیری، تشویق و تنبیه، توجه به مشکلات مالی و اقتصادی زیردستان که با وارد کردن داده ها به نرم افزار Spss، مؤلفه ها بر اساس فراوانی و درصد تنظیم گردیده اند.

۵-۲- در این مؤلفه ها " امر به معروف و نهی از منکر " در سخنان امام علی علیه السلام با ۱۶ بار تکرار و فراوانی ۱۸/۲ درصد بیشترین فراوانی را نسبت به سایر مؤلفه ها به خود اختصاص داده و مؤلفه ی " آینده نگری در جهت ساخت آینده بهینه " با ۱۳ بار تکرار و فراوانی ۱۴/۷ درصد، دومین ویژگی مدیران و فرماندهان نظامی از نظر فراوانی است؛ چنان که مؤلفه ی " مشورت و رایزنی با اهل خبره " با ۱۰ بار تکرار و فراوانی ۱۱/۴ درصد سومین ویژگی مدیران و فرماندهان نظامی به شمار می روند.

۵-۳- از تحلیل مؤلفه ها می توان نتیجه گرفت که مهم ترین تأکید امام علی (ع) به فرماندهان و مدیران نظام " امر به معروف و نهی از منکر " است، سایر مؤلفه ها به ترتیب اهمیت آنها در سخنان امام علی (ع) در نمودار میله ای (۱-۱) که از برنامه آماری Spss به دست آمده قابل مشاهده است.



نمودار میله ای (۱-۱) فراوانی نسبی و مطلق مؤلفه های بینشی و روشی



منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اداره یکم سماجا، (۱۳۶۹). آیین نامه انضباطی نیروهای مسلح، چاپ اول: تهران، انتشارات ستاد مشترک ارتش.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، چاپ دوم: قم، جامعه مدرسین.
۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، قم، چاپ اول، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۵. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، قم، چاپ اول، مصحح مجتبی عراقی، دار سید الشهداء للنشر.
۶. حکیمی محمدرضا و همکاران، الحیاه، (۱۳۸۶). ترجمه احمد آرمان، تهران، چاپ نهم، نشر دلیل.
۷. خدمتی، ابوطالب و دیگران (۱۳۸۱). مدیریت علوی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۸. خمینی، روح الله (۱۳۸۶). صحیفه نور، چاپ اول، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۷۷)، دولت آفتاب، اندیشه سیاسی و سیره حکومتی امام علی علیه السلام، تهران، خانه اندیشه جوان.
۱۰. رشید زاده، فتح الله (۱۳۸۳). ویژگی های فرماندهان آینده، همایش راهکارهای ارتقای کیفی دانشگاه های نیروهای مسلح.
۱۱. -----، الف: (۱۳۹۰). منش و رفتار فرماندهی، جلد ۱، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه ها افسری امام علی علیه السلام.
۱۲. -----، ب: (۱۳۹۰). منش فرماندهی، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه افسری امام علی علیه السلام
۱۳. سید رضی، محمد بن الحسین، (۱۳۸۱). نهج البلاغه، تهران، چاپ پنجم، مؤسسه فرهنگی زهد.

۱۴. صدری افشار، غلام حسین، (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر فارسی، چاپ چهارم: تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ق). الامالی، قم، چاپ اول، انتشارات دارالثقافه.
۱۶. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ق). مکارم الاخلاق، قم، چاپ چهارم، انتشارات شریف رضی.
۱۷. عبدی، فریدون (۱۳۹۰). نگرشی بر اندیشه های فرماندهی، مدیریتی و رهبری نظامی امام علی علیه السلام، فصلنامه النهج، شماره ۳۱.
۱۸. قوچانی، محمود، (۱۳۷۴). فرمان حکومتی پیرامون مدیریت، تهران: مرکز آموزشی مدیریت دولتی.
۱۹. لزرگی، علینقی، (۱۳۹۲). پایان نامه کارشناسی ارشد "شناسایی و تحلیل مؤلفه های مدیریت نظامی در نهج البلاغه"، استاد راهنما "دکتر عبدالهادی فقهی زاده"، دانشگاه شاهد تهران.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۶۹). اخلاق مدیریت در اسلام، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
۲۱. همان، (۱۳۷۵). میزان الحکمه، قم، چاپ اول، دار الحدیث.
۲۲. مردانی، مهدی، (۱۳۹۰). جایگاه تشویق و تنبیه در مدیریت علوی با تأکید بر نهج البلاغه، فصلنامه النهج، شماره ۳۱.
۲۳. موسی زاده، زهره و عدلی، مریم، (۱۳۸۷). معیارهای انتخاب و انتصاب مدیران با رویکرد شایسته گزینی در نهج البلاغه، فصلنامه اندیشه مدیریت.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، چاپ دوم (ط - بیروت): دار إحياء التراث العربی.